

از طریق و غیره...
پیکر از این...
باز این...

حَتَّى غَدَا مِنْ طَرِيقِ الْوَحْيِ مُكْرَمٌ
تا که بارگشت از طریق وحی منزه گریزنده

مِنْ الشَّيَاطِينِ يَقْفُوا لِاتِّمْنَانِهِمْ
از شیاطین بگریزی که از قفای گریزنده

كَأَنَّهُمْ هَرَبًا ابْتِطَالِ الْبَرْهَةِ
گویا که هراسانند از روی گریختن مثل دیربای ابرهه است

أَوْ عَسْكَرًا بِأَحْضَى مِنْ رَحْمَتِهِمْ
یا مثل لشکر که گریختند بگریختن ریزه که از رهنم حضرت بدو گشتن

بِذَاهِبِهِ بَعْدَ تَسْبِيحِ بَيْطَرٍ هَمَا
انداختن حضرت بعد از تسبیح بطن شکم دو گشتن

بِئْسَ الْمَسِيحُ مِنْ أَحْسَاءِ مُلْتَقِمِ
مثل انداختن لطف الهی مسیح را از شکم مای ملتقم مای حضرت یونس

جَاءَتْ لِدَعْوَتِهِ الْأَشْجَارُ سَاجِدَةً
او خدا را بجهت خواندن حضرت در زمین سجده کنان

تمسی

تَمَسَّى إِلَيْهِ عَلَى سَاقِ بِلَاقِدِمٍ
بیزد در خنای بسوی حضرت بر ساق بلاقیدم

كَأَنَّهَا سَطْرَتُ سَطْرِهَا كَيْتٌ
گویا که سطر کشید در خنای سطر کشیدن بر سطر که نوشته از

فَرَّوْعَهَا مِنْ بَدِيعِ الْخَطْرِ فِي الْقَمِ
نوشته انداز خنایهای خط در راه

مِثْلُ الْعِمَامَةِ إِلَى سَاسِ سَائِرَةِ
مانند دهن مثل ابرو که گویا سیر کرده اند حضرت سیر کردن

تَقِيهِ حَرًّا وَطَيْسٍ لِلْفَيْ حَمِ
نگاه میدارد از حر و طیس که از راههای تنواری بگذرانند از

أَقْسَمْتُ بِالْقَمْرِ الْمُنْشِقِ إِنَّ لَهُ
بسم میخورم من بقره منقش شده است بر سر تنگ ماری

مِنْ قَبْلِهِ نَسْبَةً مَبْرُورَةً الْقَسَمِ
از دل حضرت نسبتی است که با کینه ترین رسم است

تمسی

از طریق و غیره...
پیکر از این...
باز این...
از طریق و غیره...
پیکر از این...
باز این...

از طریق و غیره...
پیکر از این...
باز این...
از طریق و غیره...
پیکر از این...
باز این...